

## دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات لوقا-اعمال رسولان، جلسه ۲، کتاب مقدس - منابع لوقا، هدف خوانندگان و مقصد و تاریخ.

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد الهیات لوقا - اعمال رسولان. این جلسه شماره دو، منابع دارل باک برای لوقا، هدف، خوانندگان، و مقصد، و تاریخ است.

ما مطالعه خود را در مورد لوقا در الهیات با مطالب مقدماتی دارل باک در جلد اول ادامه می‌دهیم. عنوان این مطالب لوقا ۱:۱ تا ۹:۵۰ در مجموعه تفسیر تفسیری عهد جدید است که توسط بیکر منتشر شده است.

(Synoptic Problem) منابع انجیل لوقا. منابع آثار لوقا بخش مورد بحثی از یک حوزه پیچیده به نام مسئله هم‌نوا است. رویکردهای متعددی برای این موضوع پیشنهاد شده است (Synoptic Problem).

برخی استدلال می‌کنند که اسناد هم‌نوا مستقل هستند، اگرچه میزان توافق در کلمات و ترتیب بین متی، مرقس و لوقا با این رویکرد مخالف است. علاوه بر این، اشاره لوقا به پیشینیان در ترجیح خود، در مقدمه‌اش، لوقا ۱: ۱ تا ۴، نشان می‌دهد که این رویکرد بسیار ساده‌لوحانه است. یک راه‌حل قدیمی که به عنوان فرضیه آگوستینی شناخته می‌شود، استدلال می‌کند که ترتیب، متی، مرقس و لوقا است.

مشکل اصلی این فرضیه این است که نمی‌تواند بدون توسل به استفاده از انجیل لوقا، محتوای انجیل مرقس را به عنوان یک انجیل خلاصه توضیح دهد. فرضیه گریسباخ یا دو انجیل استدلال می‌کند که ترتیب صحیح متی، لوقا و مرقس است. جذابیت این دیدگاه، فقدان منابع فرضی و تطابق آن با سنت کلیسای اولیه است. که نشان می‌دهد انجیل متی قدیمی‌ترین انجیل بوده است.

مشکلات اصلی آن نشان دادن این است که لوقا متی را می‌شناخته و توضیح می‌دهد که چگونه مرقس، به عنوان یک انجیل خلاصه، اغلب جزئیات واضح‌تری در بخش‌هایی دارد که با سایر انجیل‌ها همپوشانی دارند، فقدان روایت دوران کودکی یا آموزه‌های گسترده مرقس، مانند خطبه بالای کوه یا خطبه روی دشت در لوقا، نیز مخالف آمدن مرقس در آخر زمان است، به خصوص از آنجایی که استفاده مرقس از تمثیل‌ها یا گفتمان‌های آخرالزمانی نشان می‌دهد که او می‌تواند گفتمان‌های عیسی را گزارش کند. اکثر محققان به نوعی از نظریه چهار منبع اعتقاد دارند، دیدگاهی که ابتدا توسط استریتر در سال ۱۹۲۴ رسمیت یافت و امروزه توسط تاکت، ۱۹۸۳ و فیتزمایر، ۱۹۸۱ از آن دفاع می‌شود.

فیتزمایر از این رویکرد تا جایی که به لوقا مربوط می‌شود، مفصل‌ترین دفاع موجود است. این دیدگاه، اولویت یا منبع را مطرح می‌کند. مرقس اول Quella از کلمه آلمانی Q مرقس و استفاده از منبع گفتاری معروف به است و یک منبع گفتاری وجود دارد که توسط متی و لوقا استفاده شده است.

برای متی دارد، در حالی که لوقا منابع خاص خود را دارد، به M علاوه بر این، متی یک منبع خاص به نام نامیده می‌شوند. بنابراین، چهار منبع عبارتند از L عنوان مثال، برخی از منابع مربوط به دوران نوزادی که استفاده L و Q، منبع ویژه متی. و لوقا از مرقس M، منبع ویژه لوقا، و L، منبع گفته شده Q، مرقس است، سندی که فقط Q می‌کرد. باید توجه داشت که چالش برانگیزترین جنبه این رویکرد، ماهیت شواهد شامل گفته‌هایی است که فقط انجیل توماس را به عنوان یک معادل باستانی احتمالی در این ژانر دارند. بار

دیگر، باخ از تحقیقات آگاه است، دیدگاه‌ها را منصفانه مطرح می‌کند و مشکلات هر دیدگاهی، از جمله دیدگاهی که مورد علاقه اوست، را می‌پذیرد.

این تحقیق خوبی است که من از آن آمده‌ام. نسخه‌ی جدیدی از فرضیه‌ی دو انجیل، که اولویت را به انجیل مرقس می‌دهد، از گلدر آمده است که ترتیب مرقس، متی و لوقا را مطرح می‌کند. من از آن صرف نظر می‌کنم.

بنابراین، به احتمال زیاد، لوقا به انجیل مرقس، مطالب ویژه، انجیل لوقا و روایاتی که در متی نیز منعکس شده‌اند، دسترسی داشته است، هرچند که اغلب با تفاوت‌های قابل توجهی نسبت به زبان متی همراه از نظر ماهیت آنقدر متنوع است که برخی از دو شکل از Q هستند. در واقع، مطالب مربوط به نسخه صحبت می‌کنند، یک نسخه متاپی و یک نسخه لوقا. آی. هاوارد مارشال، این تمایز را قائل Q نسخه می‌شود.

ممکن است یک سنت مکتوب ثابت نباشد، بلکه مجموعه‌ای از سنت‌های در Q این بدان معناست که گردش گسترده باشد. با توجه به میزان آموزه‌ها و تمثیل‌هایی که متی و لوقا به اشتراک می‌گذارند، نمی‌توان این استفاده L و لوقا از Q ممکن است همپوشانی داشته باشند، به طوری که متی از Q و L احتمال را رد کرد که به عنوان یک سند یا مجموعه‌ای از اسناد معتبر صحبت Q کرده باشند. باخ ضمن اشاره به اینکه دیگران از مجموعه‌ای سیال از سنت‌هایی می‌داند که هم لوقا و هم متی از آنها اقتباس کرده‌اند. این Q، می‌کنند موضوع بسیار بسیار پیچیده می‌شود، باک از کلمه پیچیده استفاده می‌کند.

این کم‌اهمیت جلوه دادن قضیه است، و نیازی نیست که به تمایزات جزئی پردازیم. ایوانز، سی. اف. ایوانز را فهرست می‌کند. این مطالب منحصر به فرد شامل ۴۸۵ آیه L کریگ ایوانز، ۱۹۹۰، ۴۷ متن از لوقا، متون از لوقا یا حدود ۴۲٪ از کل لوقا است، بنابراین ۴۲٪ از لوقا منحصر به لوقا است.

مطالب زیادی از لوقا در جای دیگری یافت نمی‌شود. این مطالب نه تنها شامل تصویری منحصر به فرد از دوران کودکی عیسی است، بلکه شامل بسیاری از گفته‌ها و تمثیل‌های تازه از عیسی نیز می‌باشد. چهار معجزه منحصر به لوقا است.

لوقا ۷:۱۱ تا ۱۷. چهار معجزه منحصر به لوقا است. لوقا ۷:۱۱ تا ۱۷، مردی با دستش خشک شده

، آن را اینگونه می‌نامد. لوقا ۱۴:۱ تا ۶ ESV لوقا ۱۳:۱۰ تا ۱۷، زنی با روحی ناتوان‌کننده، همانطور که شفای مردی در روز سبت. لوقا ۱۷:۱۱ تا ۱۹

عیسی ۱۰ جذامی را پاک می‌کند، که فقط در انجیل لوقا یافت می‌شود. سه مورد یا به مناقشه روز سبت یا به واکنش یک غیر یهودی به عیسی می‌پردازد. چندین تمثیل بدون شک منحصر به لوقا هستند.

محتوای آنها تنوع زیادی دارد، بر خدمت، سامری نیکوکار، لوقا ۱۰:۲۹ تا ۳۷، فروتنی، فریسی و باجگیر، لوقا تا ۱۴، پشتکار در دعا و امید به آینده یا آخرت، دوست غرغرو، لوقا ۱۱:۵ تا ۸، بیوه غرغرو، لوقا ۱۸:۹ تا ۸، ارزشمندی گمشده و شادی از بهبودی آنها، سکه گمشده و پسر گمشده، لوقا ۱۵:۸ تا ۱۱ و ۱۱:۱ تا ۱۸، ۳۲، و مراقبت در استفاده از منابع و یا مهربانی با فقیر، ثروتمند نادان، لوقا ۱۲:۱۳ تا ۲۱، مباشر حیل‌گر تا ۸، مرد ثروتمند در ایلعازر، ۱۶:۱۹ تا ۳۱ تأکید دارد. مضمون اخلاقی انجیل لوقا در این مطالب ۱:۱۶ آشکار می‌شود. چهار تمثیل دیگر که بر نقشه خدا تأکید دارند، پتانسیل همپوشانی با متی را دارند و با این حال توسط لوقا با نوری تازه ارائه شده‌اند.

باید تا زمان بازگشت عیسی وفادار ماند، باید از نشستن بر سر سفره شادمان بود، باید از آمدن گوسفند گمشده شادمان بود، و باید به آنچه ارباب بر اساس نیکی خود فراهم می‌کند وفادار ماند. گستردگی موضوعات در انجیل و دغدغه شبانی لوقا در این مطالب منحصر به فرد یا به طور منحصر به فردی مورد تأکید قرار گرفته، آشکار می‌شود. انجیل‌ها با اعمال رسولان مرتبط هستند.

در تفکر در مورد استفاده از منابع، باید این نکته را نیز در نظر گرفت که لوقا انجیل خود را به گونه‌ای ساختاریندی کرد که دنباله آن، اعمال رسولان، را پیش‌بینی کند. این ارتباط با اعمال رسولان در تکرار مقدمه، لوقا ۱: ۱ تا ۴، اعمال رسولان ۱: ۱ دیده می‌شود. در واقع، مقدمه اعمال رسولان به سبکی یادآور سایر آثار باستانی به انجیل لوقا نگاه می‌کند. یوسفوس را در مقابل آپیون، ۱، ۱، پاراگراف ۱، با خواندن اعمال رسولان ۱: ۱ مقایسه کنید. در کتاب اول، ای تئوفیلوس، من به تمام آنچه عیسی شروع به انجام و تعلیم آن کرد تا روزی که به آسمان برده شد، پرداخته‌ام. پس از آن، او از طریق روح القدس به رسولانی که برگزیده بود، دستوراتی داد. او پس از رنج کشیدن، با شواهد فراوان خود را زنده به آنها نشان داد، در طول روز بر آنها ظاهر شد و درباره پادشاهی خدا صحبت کرد. ۴۰.

ارتباط بین لوقا و اعمال رسولان همچنین در مضامین تمثیلی که بر دو جلد غالب است، ذکر شده است.

عیسی شفا می‌دهد، همانطور که پطرس و پولس شفا می‌دهند. عیسی باید به اورشلیم سفر کند، در حالی که پولس باید به روم برود. عیسی توسط مخالفان کشته می‌شود، و استیفان شهید در اعمال رسولان ۷ نیز همینطور. روایت عروج نیز این دو جلد را به هم پیوند می‌دهد.

لوقا ۲۴:۴۹ تا ۵۳، اعمال رسولان ۱:۱ تا ۱۱. همانطور که قبلاً گفتم، عروج در جاهای زیادی ذکر شده است، اما خود واقعه فقط در این دو جا ثبت شده است. لوقا ۲۴:۴۹ تا ۵۱، اعمال رسولان ۱:۱ تا ۱۱.

تلاش‌ها برای اشاره به شباهت‌های گسترده بین لوقا و اعمال رسولان اغلب بحث‌های زیادی را به دنبال داشته است. اگرچه موارد قابل بحثی وجود دارد، شکی نیست که لوقا قصد دارد شباهت‌هایی بین زمان عیسی و زمان پیروانش نشان دهد. هم داستان و هم الهیات این دو جلد به هم مرتبط هستند.

برای درک ظهور کلیسا، باید عیسی و نقشه خدا را درک کرد. لوقا یک مورخ است. نکته دیگری که از نگاهی به استفاده لوقا از منابع برمی‌آید.

او در مورد مطالبش محتاط بود. بحث‌های زیادی در مورد اینکه لوقا چقدر مورخ خوبی بوده، در جریان است. بسیاری معتقدند که او به دلایل الهیاتی، مطالبش را با آزادی زیادی مدیریت می‌کرد.

گلد، هانسون، مارتین دیبلیوس، یا به دلایل جامعه‌شناختی، اسلر. از جمله مواردی که مورد بررسی دقیق قرار گرفته‌اند، می‌توان به ارتباط تولد عیسی توسط لوقا با سرشماری از کوئیرینیوس، زمان شورش او در زمان تیتوس، صحت برخی از تمثیل‌ها و گفته‌ها، واقعیت معجزات، تصویر او از محاکمات عیسی، جزئیات روایت‌های رستاخیز او، ارائه وفادارانه سخنرانی‌ها، تصویر او از هماهنگی کلیسای اولیه، منحصر به فرد بودن ملاقات او با کورنلیوس، واقعیت شورای اورشلیم و تصویر او از پولس اشاره کرد. منتقدان مشغول بوده‌اند.

بررسی چنین جزئیاتی باید به صورت موردی انجام شود. در چنین مواردی قضاوت‌های متفاوتی صورت خواهد گرفت، نه فقط بر اساس پیچیدگی شواهد، بلکه باید به خاطر داشت که کدام یک از این موارد بدون شکاف‌های تاریخی خاص خود نیست، بلکه به دلیل مسائل جهان‌بینی فلسفی نیز هست. با این وجود، بررسی نحوه استفاده لوقا از منابعش، قابل اعتماد بودن کلی او را نشان می‌دهد.

بررسی توصیف او از محیط‌ها، آداب و رسوم و مکان‌ها نیز همین حساسیت را نشان می‌دهد. مارتین هنگل در کتابی در سال ۱۹۸۰، کالین همردوباره، ۱۹۸۹. لوقا یک مورخ باستانی درجه یک است و اکثر مورخان باستانی خوب وظیفه خود را به خوبی درک می‌کردند.

از جمله این افراد می‌توان به توسیدید و پولیبیوس اشاره کرد. این استدلال که لوقا منحصرأ یا یک متکلم یا یک مورخ است، معمولی است و بسیاری ترجیح می‌دهند به تاریخ جایگاه کمتری بدهند و شواهد موجود در منابعی را که نشان می‌دهد لوقا در مطالب خود دقیق بوده است، کم‌اهمیت جلوه دهند. او نه بی‌دقت است و نه مانند برخی از مورخان باستان، وقایع را جعل می‌کند.

با این حال، این نکته به این معنی نیست که لوقا نمی‌تواند مطالب را برای تأکید دوباره مرتب کند، وقایع را به زبان خود خلاصه کند، یا تأکیدات خود را آنطور که از سنت گرفته شده است، بیان کند. مطالعه فهرست منابع لوقا که در بالا ذکر شد و ترتیب آنها، همین ویژگی‌ها را آشکار می‌کند. سخنرانی‌های لوقا علاوه بر گزارش، خلاصه و اعلام نیز می‌کنند.

مطمئناً موعظه‌هایی که در کتاب اعمال رسولان ثبت شده‌اند طولانی‌تر بوده‌اند و لوقا آن موعظه‌ها را به زبان خودش خلاصه می‌کند. لوقا ناظر دقیقی بر وقایعی است که توصیف می‌کند. او هم به تاریخ و هم به الهیات علاقه‌مند است.

او نه تنها در مورد توالی زمانی وقایع و آموزه‌ها می‌نویسد، بلکه در مورد رابطه موضوعی و الهیاتی آنها نیز می‌نویسد. او به عنوان یک الهی‌دان و کشیش می‌نویسد، اما به عنوان کسی که جهت‌گیری‌اش توسط تاریخ پیش از خود مشخص شده است. یعنی، لوقا اطلاعات تاریخی را منتقل می‌کند، اما هدف او فقط انجام این کار نیست.

او یک متکلم است و آنچه را که روح خدا او را به انجام آن هدایت می‌کند و به عنوان یک مورخ، متکلم و مردی که خداوند عیسی را دوست داشت، انجام می‌دهد، انتخاب و تأکید می‌کند. کم‌اهمیت جلوه دادن هر عنصری در تلاش لوقا، چه جنبه‌ی شبانی، چه جنبه‌ی کلامی یا تاریخی، به معنای دست‌کم گرفتن عمق روایت اوست. باخ از سال‌ها مطالعه سخن می‌گوید.

به من گفت که ما برای هر یک از مجموعه‌های عهد ETS کووریت، ناشر فعلی زوندروان، در جلسه جدید، برای هر یک از پیکره‌های عهد جدید، به دنبال بهترین فرد بودیم. بنابراین آنها داگ مو را برای الهیات پولس و پیتر دیویدز را برای الهیات رساله‌های عمومی استخدام کردند.

و وقتی صحبت از الهیات لوقا شد، شکی نبود، آنها دارل باخ را گرفتند. و کتاب او در مورد الهیات لوقا بسیار بسیار خوب است. هدف، خوانندگان و مقصد.

بحث بر سر این است که آیا تتوفیلوس از قبل مسیحی بوده یا به مسیحی شدن فکر می‌کند. مقاصد متعددی برای انجیل و دنباله آن پیشنهاد شده است. من قصد ندارم ۱۱ مورد از آنها را بخوانم.

این انبوه پیشنهادات معتبر، پیچیدگی کار لوقا را نشان می‌دهد. از میان همه این پیشنهادات، آنهایی که بر نقش خدا در رستگاری و جامعه جدید او متمرکز هستند، به احتمال زیاد جنبه‌های کلیدی دستور کار جامع لوقا را منعکس می‌کنند. من چند مورد از این اهداف پیشنهادی را برای لوقا می‌خوانم.

تأیید کلام و پیام رستگاری. تتودیسسه وفاداری خداوند به اسرائیل. مشروعیت جامعه‌شناختی رفاقت کامل برای غیریهودیان و دفاع از جامعه جدید به عنوان جامعه‌ای که به روم وفادار نیست.

تلاشی برای آشتی با یهودیت با نشان دادن اینکه وعده رستگاری در عیسی مسیح امتداد طبیعی یهودیت است. باک این چهار مورد را محتمل‌ترین اهداف پیشنهادی برای انجیل لوقا می‌داند. بررسی ساختار و الهیات انجیل، و همچنین بررسی مطالب منحصر به فرد لوقا، این موضوع را تأیید خواهد کرد.

بعید است که تئوفیلوس صرفاً به مسیحی شدن علاقه داشته باشد یا یک مقام رومی باشد که برای پذیرش مسیحیت به عنوان یک دین مشروع، نیاز به توضیح آن دارد. پولس و پیام بشارت ساده او نیز هدف دفاع نیستند. بخش بسیار کمی از انجیل به چنین دغدغه‌های حقوقی و سیاسی می‌پردازد و بخش بسیار زیادی از انجیل، نصایح به مسائلی فراتر از بشارت ساده می‌پردازد.

او نشان می‌دهد که چرا هفت هدف ادعایی دیگر برای انجیل لوقا را رد می‌کند. لوقا ۱:۳ و ۴ نشان می‌دهد که تئوفیلوس دستورالعمل‌هایی دریافت کرده است. جزئیاتی که لوقا در مورد وفاداری، روابط یهودی-غیریهودی و پایبندی به امید بازگشت عیسی عمل می‌کند، نشان می‌دهد که یک غیریهودی در مورد ارتباط خود با جامعه جدید دچار تردید است.

مشکلات مربوط به معاشرت بر سر میز، شمول غیریهودیان، و نمونه‌هایی از چگونگی مواجهه با طرد شدن در کلیسای اولیه نیز این زمینه را نشان می‌دهد. به همین ترتیب، میزان توصیه‌های اخلاقی در انجیل لوقا نیز این رویکرد را نشان می‌دهد. تئوفیلوس به نظر می‌رسد مردی صاحب‌منصب است، لوقا ۱:۳، که خود را با کلیسا مرتبط کرده است، اما شک دارد که آیا واقعاً به این جامعه مختلط نژادی و به شدت تحت آزار و اذیت تعلق دارد یا خیر.

در انجیل، لوقا، تئوفیلوس را در طول دوران زندگی عیسی پیش می‌برد تا بررسی کند که چگونه خدا برای مشروعیت بخشیدن به عیسی تلاش کرد و چگونه عیسی امید را اعلام کرد. لوقا همچنین می‌خواهد از وفاداری خدا به اسرائیل و وعده‌های او، علیرغم رد وعده توسط بسیاری از ملت، دفاع کند. پیشنهاد انجیل آشکارا تئوفیلوس را شامل می‌شود و او را فرا می‌خواند که حتی در بحبوحه طرد شدید یهودیان و با این امید که هم یهودیان و هم غیریهودیان به عیسی روی آورند، وفادار، متعهد و منتظر بماند.

آنچه بسیار محتمل است این است که تئوفیلوس قبل از آمدن به مسیح، خداترس بوده باشد، زیرا این می‌تواند علاقه به خداترسان در اعمال رسولان و همچنین استفاده گسترده از عهد عتیق در این دو جلد را توضیح دهد. البته خداترسان یهودی کامل نیستند. آنها غیریهودیانی هستند که به توحید و اخلاق کنیسه جذب شده‌اند، اما چه کسی از ختنه شدن و عضویت در جامعه بنی‌اسرائیل در این زمینه کوتاهی کرد؟ آنها میدان تبلیغی مناسبی برای پولس بودند، زمانی که او در سراسر جهان روم بشارت می‌داد.

با این حال، لوقا فقط برای این یک نفر نوشته است، بلکه برای هر کسی که این تنش را احساس می‌کرده است. هر غیریهودی که در جنبش اولیه یهود احساس بی‌جایی می‌کند، می‌تواند از اطمینانی که لوقا ارائه می‌دهد، بهره‌مند شود. هر یهودی یا مسیحی یهودی که از عدم واکنش یهودیان به انجیل یا از گشودگی غیریهودیان به انجیل نگران است، می‌تواند ببیند که خداوند این امر را هدایت کرده و از ملت دعوت‌های متعددی برای پیوستن به کار جدید خدا کرده است.

مسیحیت با یهودیت در تضاد بود، نه به این دلیل که جنبش جدید آگاهانه سعی در منزوی کردن خود از ملت داشت، بلکه به این دلیل که به زور از آن بیرون رانده شد. این طرد شدن در اعمال رسولان مشهود است، اما بذر آن در طرد عیسی کاشته شده است که با دقت در لوقا فصل‌های ۹ تا ۱۳ و ۲۲ و ۲۳ به تفصیل شرح داده شده است. از نظر لوقا، جامعه جدید در گسترش برکت خود گسترده است زیرا عیسی موعظه کرد که چنین باشد.

«لوقا ۱۶:۴ تا ۳۰. لوقا ۵:۳۰ تا ۳۲. لوقا ۱۰:۱۹، «پسر انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات دهد لوقا ۴۴:۲۴ تا ۴۷. جامعه جدید در گسترش برکت خود گسترده است زیرا عیسی موعظه کرد که باید اینگونه باشد».

نه تنها چنین است، بلکه خداوند در اعمال رسولان ۱۰:۳۴ تا ۴۳ نیز چنین دستور داده است. ایمان آوردن خانواده کرنلیوس. اعمال رسولان ۱:۱۵ تا ۲۱، شورای اورشلیم و نتایج آن - ۲۲:۶ تا ۱۱. اعمال رسولان ۲۰:۱۵ تا ۲۶.

تاریخ. تاریخ انجیل لوقا مورد اختلاف است. اما محدودیت‌هایی وجود دارد. برای مثال، اولین تاریخ ممکن در سال‌های آخرین رویداد ثبت شده در اعمال رسولان است که احتمالاً در سال ۶۲ رخ می‌دهد.

برخی از محققان منتقد، تاریخی را در اوایل تا اواسط قرن دوم ارائه می‌دهند، اما لحن کتاب اعمال رسولان، واقعاً با لحن برخی دیگر از اسناد این دوره مطابقت ندارد. علاوه بر این، بعید است که چنین اثر متأخری، نامه‌های پولس را به اندازه کتاب اعمال رسولان نادیده بگیرد. رایج‌ترین تاریخ، زمانی پس از سقوط اورشلیم، معمولاً بین ۸۰ تا ۹۰ میلادی است.

دلایل مطرح شده شامل موارد زیر است. گفته می‌شود لوقا پس از مرقس نوشته شده است که در دهه ۶۰ میلادی نوشته شده است. تصویر پولس به عنوان یک چهره قهرمان برای آشکار شدن به زمان نیاز دارد.

سوم، تصویر کلیساهایی مانند افسس مستلزم دوره‌ای پیش از حذف آزار و اذیت در اواسط دهه ۹۰ میلادی است. چهارم، گفتمان‌های آخرالزمانی لوقا، با توصیفاتشان از محاصره و تمرکزشان بر شهر، سقوط را پیش‌فرض می‌گیرند و مستلزم دوره‌ای پس از ۷۰ میلادی هستند. و پنجم، برخی از جنبه‌های الهیات، متأخر و حتی اوایل کاتولیک هستند.

سه مورد از این استدلال‌ها چندان مهم نیستند. این پیشنهاد که پولس برای ظهور به عنوان یک قهرمان به زمان نیاز دارد، واضح نیست. نامه‌های او در اعمال رسولان تضمین می‌کند که او یک شخصیت محوری در کلیسا بوده که پیروان و جنجال‌هایی را به همراه داشته است.

نامه‌های پولس نشان می‌دهد که یعقوب به سرعت احترام پیدا کرد، و همین امر برای پولس نیز صادق است. تصویر کلیساهای، که هنوز تحت آزار و اذیت رومیان نبودند، می‌تواند هر زمانی قبل از حذف، که در سال‌های ۸۱ تا ۹۶ حکومت می‌کرد، یا هر زمانی خارج از آزار و اذیت نرون، سال ۶۴، مناسب باشد. بحث در مورد کاتولیک اولیه در لوقا-اعمال رسولان ادامه دارد، اما به هیچ وجه مشخص نیست که لوقا چنین الهیات متأخری را منعکس کند.

محققان لیبرال ادعا می‌کنند که به اصطلاح کاتولیک اولیه در رساله‌های کشیشی منسوب به پولس منعکس شده است، که به گفته آنها توسط پولس نوشته نشده‌اند، یعنی مناصب کلیسا و کلیساشناسی دقیق، و همچنین دلایل آخرالزمانی ارائه می‌دهند که امید به آمدن دوباره مسیح کمرنگ شده و به آینده‌ای دورتر موقوف شده است. به طور کلی، خوب نه به طور کلی، انجیلی‌ها این را رد کرده‌اند و می‌گویند که رساله‌های کشیشی هدف متفاوتی دارند و بنابراین، مضامین و ایده‌های مختلف و بنابراین واژگان متفاوتی را منعکس می‌کنند و در واقع توسط پولس نوشته شده‌اند. در مورد کاتولیک اولیه، درست است که مناصب توسعه یافتند و کلیسا سازمان‌یافته‌تر شد و غیره، و اینکه در قرن دوم اسقف‌ها و غیره وجود داشتند، اما این بدان معنا نیست که اعمال رسولان یا رساله‌های کشیشی اسناد متأخری بودند، گنجاندن آنها در مورد به اصطلاح کاتولیک اولیه بیش از حد ارزیابی شده است.

باخ می‌گوید دو استدلال از استدلال‌های مطرح‌شده در مورد تاریخ‌گذاری، پایه و اساس محکم‌تری دارند. این پیشنهاد که لوقا پس از مرقس آمده، محتمل است، حتی اگر کسی فکر کند که متی، نه مرقس، اولین انجیل به ترتیب است، باز هم باید تاریخ نگارش مرقس را دهه ۶۰ یا بعد از آن در نظر گرفت. این تاریخ نزدیک به آخرین رویداد در اعمال رسولان است که در اوایل دهه ۶۰ اتفاق می‌افتد.

مرقس چقدر سریع در گردش بوده و بنابراین برای لوقا قابل دسترسی بوده است، به خصوص اگر لوقا با رهبران اصلی کلیسا ارتباط داشته باشد؟ این یک سوال است. این استدلال که برای کسب جایگاه مرقس به زمان نیاز بوده است، شبیه به این استدلال است که پولس، به عنوان یک شخصیت قهرمان، برای پیشرفت به زمان نیاز داشته است، اما پولس تقریباً بلافاصله به یک شخصیت مهم تبدیل شد. حال اگر مرقس ریشه در پطرس داشته باشد، احترام به کار او نیز می‌توانست فوری باشد.

لوقا به دنبال منابعی بود که در گردش بودند، لوقا ۱:۱. از آنجایی که او به چندین سند از این دست اشاره کرد، وضعیت شبه‌قانونی بودن آنها پیش‌نیاز نبود. لوقا می‌توانست از منابعی استفاده کند که به سمت قانون کتاب مقدسی شدن پیش نمی‌رفتند. محوری‌ترین استدلال این است که گفتمان‌های آخرالزمانی، لوقا ۱۹:۴۱- لوقا ۲۰:۲۱-۲۴، تاریخ پس از ۷۰ میلادی را در نظر می‌گیرند، ۴۴.

این متون جزئیات محاصره را شرح می‌دهند و بر شهر تمرکز دارند، نه فقط بر معبد، همانطور که روایت‌های متی و مرقس انجام می‌دهند. اسلر به درستی، ۱۹:۸۷، قوی‌ترین دفاع را از این تاریخ انجام داده است. او، استدلال می‌کند که جزئیات این گفتمان‌ها را نمی‌توان صرفاً به آنچه ناگزیر در جنگ اتفاق می‌افتد نسبت داد، زیرا برخی از ویژگی‌ها نتایج اجتناب‌ناپذیر جنگ نبودند.

اسلر با این روش پاسخ، ادعای سی. اچ. داد، آیه ۱۹:۴۷، مبنی بر اینکه تمام زبان جنگی در گفتمان برای عیسی قبل از ۷۰ سالگی امکان‌پذیر بوده است را به چالش می‌کشد، زیرا این زبان با عملیات نظامی باستانی علیه اسرائیل و توصیفات موازی و بعدی از غارت معبد سلیمان مطابقت دارد. با این حال، اسلر در بیان این انتقاد، نکته کلیدی ارتباط عهد عتیق را نادیده می‌گیرد. قضاوت عهد عتیق به دلیل بی‌وفایی به عهد اعمال شد.

می‌توان انتظار داشت که ویرانی کامل اورشلیم با محاصره و شکست کامل، به عنوان یک عمل عهدی از جانب خدا، مشابه باشد. نتیجه این است که استدلال اسلر معتبر نیست. از منظر این متون، نیازی به استناد به سقوط اورشلیم به عنوان یک عمل انجام شده نیست.

علاوه بر این، طرفداران تاریخ قدیمی‌تر خاطرنشان می‌کنند که هیچ اشاره مستقیمی به سقوط اورشلیم وجود ندارد. اینکه در اینجا به سقوط اشاره شده است، صرفاً یک استنباط است. با این حال، کسانی که معتقدند اشاره‌ای به سقوط وجود دارد، اغلب ادعا می‌کنند که لوقا اغلب مطالب و دیدگاه خود را به‌روز می‌کند.

اگر، همانطور که ادعا می‌شود، او این کار را در جای دیگری انجام داده است، چرا اینجا با این رویداد تاریخی بزرگ نجات در تقویم الهی این کار را نکرده است؟ چرا به جای اشاره مستقیم، سکوت اختیار کرده است؟ به طور خلاصه، پیش‌بینی سقوط اورشلیم چیزی است که عیسی می‌توانست صرفاً بر اساس دانش خود از نحوه عملکرد خدا برای قضاوت در مورد بی‌وفایی به عهد، انجام دهد. لوقا هیچ تلاشی برای به‌روزرسانی اظهارات خود در اینجا نمی‌کند. او فقط توضیح می‌دهد که با فروپاشی معبد، در فروپاشی معبد، شهر نیز در امان نمی‌ماند.

بنابراین، استدلال اصلی برای تعیین تاریخی در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی کارساز نیست. اگرچه ممکن است تاریخی در دهه ۸۰ میلادی محتمل به نظر برسد و رایج باشد، اما محتمل‌ترین نیست. این امر احتمال دیگری را باقی می‌گذارد، تاریخی در دهه ۶۰ میلادی، که توسط کالین همر، الیس و آی. هاوارد مارشال مطرح شده است.

دلایل این تاریخ شامل موارد زیر است. اول، این تصویر نشان می‌دهد که روم، با وجود اطلاعات کم در مورد جنبش عیسی، هنوز در حال تصمیم‌گیری در مورد جایگاه مسیحیت است. دوم، عدم توجه به مرگ یعقوب ۶۲ ساله یا پولس در اواخر دهه ۶۰ میلادی.

سوم، سکوت در مورد ویرانی اورشلیم، حتی در مواردی که می‌توانست در سرمقاله به آن اشاره شود. چهارم، میزان عدم قطعیت ابراز شده در مورد روابط داخلی یهودیان و غیریهودیان، که با شرایطی مطابقت دارد که با نامه‌های پولس که به تنش‌های مشابهی می‌پردازند، رومیان، غلاطیان، اول قرنتیان ۸ تا ۱۰، افسسیان همخوانی دارد. این دلیل آخر از همه مهم‌تر است و تا به امروز در بحث به اندازه کافی بسط داده نشده است.

کتاب اعمال رسولان، یک جامعه مختلط نژادی را پیش‌فرض می‌گیرد که به نوبه خود، تاریخی قدیمی‌تر را نشان می‌دهد، نه تاریخی جدیدتر. جزئیات مربوط به شریعت، سفره، رفاقت و اعمالی که ممکن است توهین‌آمیز باشند، اعمال رسولان ۶: ۱ تا ۶، اعمال رسولان ۱۰ و ۱۱، اعمال رسولان ۱۵، اعمال رسولان ۶ تا ۶، اعمال رسولان ۱۰ و ۱۱، اعمال رسولان ۱۵ نیز نشان می‌دهند، جزئیات مربوط به شریعت، سفره ۱ رفاقت و اعمال توهین‌آمیز نیز به یک بازه زمانی قدیمی‌تر اشاره دارند، اینکه رسالت غیریهودیان هنوز به چنین دفاع قوی و دقیقی نیاز دارد، و همچنین به این دوره اولیه اشاره دارد، زیرا تا دهه ۶۰، ۸۰، از آنجا که تا دهه ویژگی غیریهودی جنبش مسیحی مسلم بود، اینکه مؤمنان در بحبوحه فشار شدید یهودیان به اطمینان، ۸۰، خاطر نیاز دارند، با یک تاریخ اولیه نیز مطابقت دارد. تعیین زمان نگارش لوقا، در دهه ۶۰، دشوارتر است.

برخی معتقدند که پایان کتاب اعمال رسولان نشان می‌دهد که تاریخ تکمیل آن اوایل دهه ۶۰ میلادی است. برخی دیگر معتقدند که متونی مانند لوقا ۱۱، ۴۹ و ۵۱ آغاز کشمکش با روم را پیش‌فرض می‌گیرند و تاریخی را در اواخر دهه ۶۰ میلادی ارائه می‌دهند. اینکه به مرگ پولس در اعمال رسولان اشاره نشده است، ممکن است نشانه‌ای از این باشد که این تاریخ اوایل تا اواسط دهه ۶۰ میلادی است، نه یک سوم آخر دهه ۶۰ میلادی.

از سوی دیگر، زمانی که لوقا برای دریافت و ادغام مرقس لازم داشت، ممکن است نشان‌دهنده‌ی یک بازه زمانی اواسط دهه ۶۰ میلادی باشد. در مجموع، احتمالاً اوایل تا اواسط دهه ۶۰ میلادی را می‌توان در نظر گرفت. لوقا پایان دوران کاری پولس را نامشخص گذاشت، زیرا در زمان نگارش، اوضاع بر همین منوال بود.

محل نگارش. اینکه محل نگارش لوقا را کجا تعیین کنیم، به تاریخی که برای این اثر تعیین می‌کنیم بستگی دارد. واقعاً مشخص نیست.

احتمالات شامل قیصریه می‌شود. این در صورتی است که لوقا در دهه ۶۰ میلادی نوشته شده باشد. روم، دهه ۶۰ یا ۸۰ میلادی.

انطاکیه، هر تاریخی. یونان، هر تاریخی. مقدمه‌های ضد مارسیونی و مقدمه‌ی سلطنت طلبان، خاستگاه آن را در آخائیه، یونان می‌دانند.

در حالی که بووان، ۱۹۸۹، روم را محتمل می‌داند، فیتزمریر، ۱۹۸۱، حق دارد که بگوید پاسخ این سوال را هر کسی می‌تواند حدس بزند. پس از استراحت، درباره نسخه‌های خطی باستانی صحبت خواهیم کرد و سپس به ساختار و استدلال انجیل لوقا خواهیم پرداخت.

من دکتر رابرت ای. پترسون و تدریس او در مورد الهیات لوقا در کتاب اعمال رسولان هستم. این جلسه شماره دو، منابع داریل باخ برای لوقا، هدف، خوانندگان و مقصد، و تاریخ است.